

ویژه نامه انتخابات

۱

سازمان پیکار در راه آزادی طبقه کارگر

پیکار

شنبه ۴ اسفند

کارگران! زحمتکشان! هموطنان مبارز و نیروهای انقلابی و مترقی! برای تقویت هرچه بیشتر صف نیروهای خلق از کاندیداهای ماپشتیبانی کنید!

کارگران و زحمتکشان! هموطنان مبارز!

مردم و بریدن انقلاب فروریزند. آری، زندگی ما به این معنای خنده تهنانی مینوا ندی بسیاری حقایق را روشن نماید. می تواند افتادگرما هیت بسیاری از کسانسی باشد که بر موج مبارزات مردم سوار شدند و سواران ما هم کثیف ترین خیانت ها و ضربات را بر همین انقلاب زدند. آیا می توان گفت این ضربات و خیانت های بعد از فیا م ارتسای طی سالیان خاندن نشینی ها، "مهاجرت" ها خاندن نشینی ها و خیانت های گذشته آنان نداشتند است؟ خیر. اینها دقیقاً دو روی یک سکه هستند. انقلاب را فقط انقلابیون راستین می توانند رهبری کنند. این قانون بی چون و چرای انقلاب است. هر زمان که سرنوش و رهبری انقلاب بدست بارگان ها، یزدی ها، قطب زاده ها، چمران ها، بنی صدر ها، صباغیان ها و لیست طول و درازی از کسانسی که یک عمر با بخت و دولت شان دادند و با فرار به راه را برقرار تریح دادند و به مبارزه مردم پشت نمودند، آنوقت نتایجش همین می شود که در این یکسال شاهد بودیم. بی جهت و تصادفی هم نبود و نیست در حالیکه تنها یکسال از تمام عظیم و تنگ و تنگ خلیفها ی قهرمانان ما می گذرد مردم ما احساس می کنند که کلاه بزرگی بر سرشان رفته و غیر از افراد بسیار معدودی که در این سیستم به اعتبار گذشته آنها، به این سیستم حیثیت می دهند، اکثریت نزدیک به اتفاق آنها مشتاقی حامی امپریالیسم و لیبرال مرتجع و شیاد، کاسکارسیا سی هستند، ولی خلقی که فیا م را از سرگذرانند، انقلابیون نی که در بدترین شرایط دیکتاتوری مبارزه نمودند محال است به سوز و آهای نورسیده و فرسودگی و خستگی حاشینی که انقلاب را به این بست کشاندند محسوسال دهند که براحقی بتوانند برگردند مردم حکومت کنند. آنها دیربیا رود این فرصت طلبان و مرنجین نورسیده را به جایگاه تاریخی خویش خواهند فرسود. کما اینکه تا همین امروز نیز به مدد افشاگریها و فعالیت های انقلابی انقلابیون و بخصوص کمونیستها، پخته بسیاری از این شیادان بر روی آب افتاده است. و خواهیم دید که چگونه عقبه نیز یکی بعد از دیگری کلیفتان روشن می شود!

اینک با این توضیح به معرفی کاندیداهای خود میپردازیم و از کلیه کارگران و زحمتکشان و هموطنان مبارز و از کلیه نیروهای انقلابی و مترقی میخواهیم که برای تقویت هرچه بیشتر صف نیروهای خلق از کاندیداهای سازمان ما پشتیبانی کنند.

که کسانی که امروز خود را "انقلابی" و "حامی" میصفین معرفی می کنند در گذشته و در زمان شاه چه می کردند؟ آیا طرفداران قانون اساسی بوده اند؟ آیا خاندن نشین و فرصت طلب بوده اند؟ آیا فقط به خواندن نماز جماعت در مساجد و آهسته رفتن و آهسته آمدن مشغول بوده اند؟ و یا برعکس در گذشته با تمام وجود و مددکاری علیه نظام سلطنتی، علیه امپریالیسم و علیه استعمار وستم طبقه تی پیکار کرده اند؟ آری کاندیدی که شما انتخاب می کنید با یستی مبارز و انقلابی بگردد در زمان شاه، و همواره وفادار به زحمتکشان باشد، برای این اساس است که ما کاندیداهای خود را شما معرفی می کنیم. ما سوابق مبارزاتی آنها ورنجها و مضامینی را که آنها در طی سالیان دراز در مبارزه علیه رژیم شاه و امپریالیسم منحصلاً گشته اند برایشان با زگو می کنیم. نه برای کاسکارسیا و سوداگری، نه برای منت گذاشتن بر کسی، نه برای اینکه به شما نشان دهیم که چه کسانسی در راه

اینک در استانها انتخابات مجلس شورای ملی فرا گرفته ایم. انتخاباتی که برای زحمتکشان یک معما و برای سرمایه داران و زمین داران بزرگ و زالوصعت و برای تجار و شروتمندان معنائی دیگر دارد. کارگران و دیگر رنجبران در این انتخابات شرکت می کنند تا بلکه به برخی درخواست های خود در زمینه استقلال، رفاه و آزادی برسند. آنها نمانده خود را برای این اساس که تا چه حد برای آنها دلسور است تا چه حد دردها و رنجهای آنها را درک می کند، انتخاب می کنند. اما سرمایه داران چطور؟ زمین داران چطور؟ و تجار و شروتمندان چگونه به انتخابات می نگرند؟ آنها به استعمار و بیشتر و بیشتر و بیشتر و بیشتر فکر می کنند. و نامایندگان خود را نیز بر همین اساس انتخاب می کنند. آنها کسانی را به نمایندگی انتخاب می کنند که سود و قدرت بیشتر را برای آنها تضمین کند. آنها دنبال کسانسی می روند که "نظم" و "امنیت" مورد نظر آنها را برقرار سازد. نظم و امنیت که یکجا نباشد و فقط به سود سرمایه داران و تجار تمام می شود. نه بخت زحمتکشان. اما آیا نمایندگان سرمایه داران و زمین داران در کوه و با زا فریاد می زنند که ما برای خدمت به سرمایه داران و برای تضمین بیشتر غارت و استثمار گران به مجلس می رویم؟ آیا آنها به زحمتکشان می گویند که ما برای پایمال کردن حقوق شما به مجلس می رویم؟ هرگز! آنها اینقدر احمق نیستند آنها خوب می دانند که اکثریت مردم ما معماران کارگران و زحمتکشان تشکیل می دهند، بنا بر این به رای آنها نیاز دارند. پس با حرف های خوش آب و رنگ و با حبله و سیرنگ آنها را می فریبند، آنها خود را بقول خودشان حامی "مستضعفین" معرفی میکنند در حالیکه با خود کارخانه داران روزمین دار هستند و با خدمتگزاران رونما بنده آنها. آنها بخصوص دم از اسلام می زنند تا از احساسات مردم سوء استفاده کنند، در حالیکه زحمتکشان خود در همین یکسال اخیر شاهد بودند که چه چهره های مقدس ما بکسیا هی آنها بر همه معلوم نگردد. بنا بر این کارگران و زحمتکشان! شما که در همین یکسال گذشته شاهد کردار و عمل بسیاری از حرافان و پیروگوهای نیرنگ با زا خاندن نشین لیبرال گرفته تا خرده بورژواهای مرفه بوده اید هرگز نباید بصرف حرف بطا هر خوب به کسی اعتمادا دکندید. در این میان یکی از معیارهای شما با یستی سوابق کاندیداهای در دوران شاه باشد. لازم است همه بدانند

کاندیداهای زحمتکشان بایستی مبارز و انقلابی در زمان شاه و همواره وفادار به آنها باشند

مبارزه علیه امپریالیسم و رژیم شاه و بیخاطرهای کاسکارسیا کارگران از قید استعمار و مددکاران شاهانه نجات یافتند. و چه کسانسی در همین سالها ما نندموش در سوراخهایشان خزیده بودند. آری لازم است و بسیار لازم است که زندگی تا ماه ایست چنین رفتار دهها بار و دهها بار به شما نشان دهیم تا فرصت طلبان و میوه چینیان، خاندن نشین بخل، بورژواهای حریص و در کمین و کسانیکه مثل موش در این سالها در سوراخهایشان خزیده بودند، امضاء و رسوا شوند. آنها به سوراخهایشان خزیده بودند تا در فرصت مناسب برگردند و خلق و موج مبارزات آنها سوار شوند و زهر سازشکاری و خیانت خودشان را بر حرکت

مرگ بر امپریالیسم آمریکا، دشمن اصلی خلقهای ایران



۱- رفیق علیرضا سپاسی آشتیانی

رفیق در سال ۱۳۲۳ در آشتیان در خانواده‌ای متوسط متولد شد. سنین کودکی ونوجوانی رادرهمنجا گذراند ودر سن ۱۵ سالگی به تهران آمد. در رابطه با جوسپاسی-مذهبی خانواده اش بسرعت وارد مسائل سیاسی شده ونسبت به مبارزات سیاسی وضد رژیم سی عشق وشورفروانی نشان میدهد. در سالهای ۴۲ - ۴۹ که مبارزات توده‌ها علیه امپریالیسم ورژیم ارتجاعی شاه پدید اوج نویینی یافته بود، دورانی است که به نام امورا حتمای وسیاسی جامعه بیشتر آشنای شده وبه این مبارزات کشیده میشود. این مبارزات توده‌ای که در آن متوجه عمدنا حول شرکت درسخرانی-ها ومخالف سیاسی مذهبی وشرکت در تظاهرات خیابانی و میتینگ ها دور میزد، رفیق را که در آن متوجه فردی مذهبی بود بر آن داشت که در جستجوی برداشتهای مبارزه جویانه از مذهب رفته واز این پس تبدیل به یک مذهبی منعهد وسیاسی شود. در همین دوره است که او به اخلاعات ماحض طبقاتی جامعه ونیکبست و بدبختی مبلبونها توده زحمتکش تحسنتم حامعه و فقری چیزی آنان وهیئتطورچهره کریم رژیم نه-کاروفا رتگر شاه پی برده واین مسئله نقش بارزی در شکل گیری روحیه وطرفرتفکر ضد طبقاتی و داسنماری او بجای می گذارد. اودراوا خرابین دوره هدف اصلی زندگی خویش را با زیافتنه وبه مبارزه انقلابی بسا رژیم شاه بمعنوان یک نهعدا انقلابی ومذهبی وبمعنوان مرمقدس فکر میکند. او به دانشگاه فکرمی کند و به مبارزات آن. اوقبل از ورود به دانشگاه ودر بدو آن قبل از آنکه بخود دانشگاه فکرمی آید، به مبارزات پرشوری که در آن جریان دارد فکرمی کند. شوروشوق مبارزات دانشجویان در آن زمان رفیق را همانند بسیاری از هموطنان مبارزما که دانشگاه هودانشجویان انقلابی را سترکسکت سا پذیرمبارزات خلق می-دانستند، بستایش وامصداحت وآرزومیکرد که بتواند خود در این سنگر قرار بگیرد و گرفت. رفیق پس از قبول شدن در رشته معماری دانشکده هنرهای زیبای دانشگاه تهران، امکانات مناسبی برای مبارزه بدست آورد و در سال ۵۰ هنگامیکه در سال ششم

معماری بود، زندگی مخفی را آغاز نمود. سارکوب قیام ۱۵ خرداد یکبار دیگر مبارزات پرشوروش خلق سرکوب شد. امپریالیسم باره گروچنگ وندنان نشان داد و رژیم وابسته شاه کامیت مطلق خویش را از-یافت. وچکمه پوشان شاه بر مردم مسلط گردیدند. حالت سکت وبامیدی برچهره توده ها ظاهر گشت. رفیق در دوره بعد از قیام ۱۵ خرداد که خود فعالانه در آن شرکت داشت همانند بسیاری به ناکافی بودن مبارزات غیر مسلحانه پی برده ولی در مقابلین راه-حلی را ندیده و سعی داد که با یدبکند. دانشمن-تشدیلات ومبارزات مخفی و مسلح اولسن چیزها نسی بود که ذهن بسیاری از روشنفکران و جوانان انقلابی ما را در آن زمان مسغول می نمود و رفیق ما هم از جمله آنها بود. بهمین جهت زمانی که بک جریان مذهبی (حزب ملل اسلامی) در این زمان با هدف سرنگونی صهرآ میز رژیم شاه بوجود آمده بود و به او پیشنهاد همکاری وعضویت میدهد، او گویا گمشده خویش را در زمینه چگونگی مبارزه با مته وباعشق وشورفروان به این گروه می پیوندد. مدت زیادی نمی گذرد که این گروه همانند بسیاری از گروههای آن زمان بدلیل ضعف ونبود تجربه سیاسی ونداشتن تفکسر و اسلوب علمی مبارزه، به نوریلیس افتاده، و تمام اعضای آن دستگیری شوند و رفیق ما هم در آن با نماه سال ۴۴ دستگیر و در دادگاه به دو سال زندان محکوم می شود. زندان فرصت مناسبی برای آشنائی با مسائل سیاسی ومبارزاتی برای او فراهم میکند. رفیق در سال ۴۶ با عزمی راسخ تراز گذشته در مبارزه علیه رژیم شاه از زندان آزاد میشود. بلافاصله بعد از آزادی علیرضا بنکه مستخیم وغیر مستخیم ارتطرف ساواک تحت نظرقرار میگیرد، رفیق با استعاده از تجربیات گذشته در زمینه مخفی کاری، به اتفاق دو بهرام زهر زمان سابقن، گروهی مذهبی بنام "حزب الهه" را پی ریزی می نمایند. این گروه بعد از دریمه دوم سال ۵۰ به سازمان مجاهدین خلق ایران می پیوندد. وزندگی مخفی رفیق ارهمیسن زمان آغاز می شود.

دردرون سازمان مجاهدین خلق رفیق از جمله رزمندگان پرشور وفعال بود، از عملیات نظامی مهم رفیق در این دوره شرکت در یک خلق سلاح ناموفق وسپس مراراز جنگ پلیس ودیگری اعدام انقلابی سرتیپ سعید ظهری افسر حنا بینکار رژیم شاه بود که به اتفاق شهید محمد مفیدی انجام دادند. ایسن عملیات که در آن یکی از معروفترین اسیران جنایت-کار رژیم شاه که دستش بخون مدها نفر از هموطنان ما آغشته بود ونقش فعالی در سرکوب قیام ۱۵ خرداد داشت، مورد استقبالی وسیع توده های خلق ما قرار گرفت. رفیق بدلیل حماسی که بخصوص بخاطر شرکت در این اعدام انقلابی نسبت به او داشتند، به شدت خانواده اش مورد تعقیب پلیس وساواک قرار گرفته بود.

رفیق علیرضا در طی ۷ سال کار مخفی وزیبر-زمینی چندین بار از جنگ مزدوران ساواک وپلیس آریا مهری فراری می نماید. رفیق در طی دومسافرت به خارج در رابطه با موریت های سازمانی چهار

سازمان گذشته ودر طی این مسافرت ها یکبار در مرمر ایران توسط ژاندارمری با هویت جعلی دستگیر می شود که با طرح حمل های مناسب آزادی می شود. ساردهیگر در افغانستان در رابطه با هویت جعلی در زمان داد و دامن دستگیری می شود و بعد از آنجا زندانی میشود. رفیق بعد از طرح حمل مناسب از زندان آزاد و تحت نظرسمی فرار میگیرد، و با استفاده از فرصت مناسبی فراری می نماید.

واما ایدئولوژی ونفکرسازمان مجاهدین خلق ایران که توسط بنیانگذاران اولیه آن تدوین شده بود، چیزی بود که از همان ابتدا رفیق ما سنا نوجه به روحیه فداستثماری وضد طبقاتی اش از یک طرف وداشتن طرز تفکر مذهبی از طرف دیگر به دنبالش می گشت واز این جهت این سازمان در آن شرایط زمینه رشد خوبی از نظرایدئولوژیک برایش فراهم می کند. ولی نفکرو ایدئولوژی مجاهدین علیرضا تمامی گبرایش در سیستم فکری مذهبی هرگز نتوانست جلوحرکت او را گرفته وبه بند بکشد. وسرانجام رفیق با توجه به نما می شناخت ونحاری که در مبارزه چندین ساله خود علیه امپریالیسم وشاه خاش وعلیه استعمار بدست آورده بود در راه های واقعی طبقه کارگر و زحمتکش را در مارکسیسم-لنینیسم یافت وبه آن گروید.

رفیق در دهه ۵۳ در رابطه با مسئولیتهای تشکیلاتی بطور محفی به خارج کشور رفت و در اینجا بود که در مرافغانستان دستگیر و بعد از یک سال زندانی گردید و سپس موفق گردید پس از فرار از جنگ ما مورسن دولت داد و دامن از این کشور مخفیا نخواست کرد. رفیق در طی سالهای که در خارج کشور بود از نزدیک در لبنان و عمان شام مبارزات عادلانه خلقهای فلسطین و عمان بود. و جای حقیقی خود را در خارج کشور نه در کناره فرصت طلبان ودلالان سیاسی بلکه در رابطه با فعالیتهای تدارکاتی-سیاسی و تبلیغی سازمان در کناره این خلقها وتوده های انقلابی دانشجویان ایرانی می یافت.

دز شهر بیورما ۵۶، همزمان با او حکمیری مبارزات توده ها ومبارزه ایدئولوژیک دردرون سازمان رفیق مخفیا نه واز مرمر شرکت نه وادرا بران گردید. واز این پس رفیق در هدایت وگسترش مبارزه ایدئولوژیک مبارزه با سیاستها ونظرات وافکارنا درست در درون سازمان (علیه رهبری سابق وانحرافات آن وهمچنین انتقادات متنی چریکی (مبارزه مسلحانه جدا از توده) نقش فعال وتعیین کننده ای بسازی کرد و سهم مهمی در تغییر ونحولات نوین سازمان و زدودن آثار وعواقب انحرافات گذشته بسازی نمود. در جریان پیشرفت مبارزه علیه نظرات گذشته وهنگامیکه بسیاری از عملکردهای ناصحیح گذشته افشاء وطرذگردید و رهبری سابق از سازمان اخراج شد و زمانیکه سازمان پیکار ربهنا به شمره تلاش بزرگی که رفیق سازمان از یکسال ونیم قبل در درون بخت منمشع شروع کرده بودند اعلام موجودیت کرد. رفیق در کناره دیگر رفقا پیش بقعالبین مبارزاتی خود در درون سازمان پیکار را ادامه داد.

کار برای کارگران، زمین برای دهقانان

پیکار

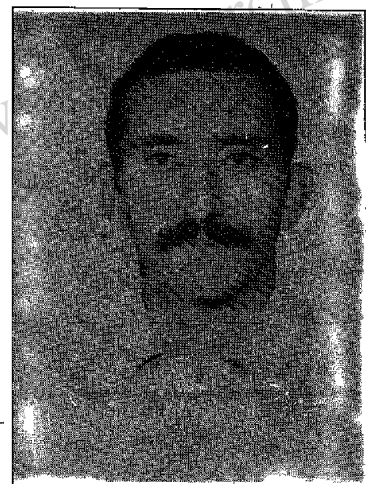
رفیق مرتضی آلائیوش در سال ۱۳۲۴ در یک خانواده متوسط متولد شد. از سالهای ۳۲-۳۰ و همزمان با نهضت ملی شدن نفت در خانواده و یک حوسه سیاسی ضدسلطنتی حکمفرما بود و در همان خانواده بود که کم و بیش با مبارزات خلق آشنا شد. در سالهای ۳۲-۳۹ که در دبیرستان علوی تهران درس می خواند به طور فعال در جریان مبارزات توده ها شرکت داشت. او در تجربه خویش به پوچی شعارهای اصلاح طلبانه و امیدهای واهی ای که برخی از اقشار متوسط جامعه به مبارزات و احزاب آنروز بسته بودند پی برد و مطالعات و جستجوی خود را برای یافتن راه درست مبارزه ادامه داد. در سال ۱۳۴۳ در رشته طراحی دانشکده هنرهای زیبا قبول و وارد دانشگاه شد. ولی او بهیچ وجه نمی توانست درس خواندن در چنان شرایطی را هدف خود قرار دهد و در جستجوی راه انقلاب پس از آشنائی با سازمان مجاهدین خلق ایران در سال ۱۳۴۸ به عضویت این سازمان درآمد. پس از گذراندن آموزشهای اولیه بصورت یکی از کارهای فعال این سازمان به مبارزه خود ادامه داد. دو سال ونیم زفعالیت تشکیلاتی وی میگذشت که در پائیز سال ۱۳۵۰ دستگیر شد و در پیدادگاههای رژیم شاه به مدت سال زندان محکوم گردید. رفیق در زندان نیز از مبارزه و جستجوی هر چه بیشتر راه حلهای بنیادی مشکلات جامعه دست برنداشت و در سال ۱۳۵۲ در زندان ما رکسیسم- لنینیسم، این تنها ایدئولوژی رهائی بخش طبقه کارگر را پذیرا شد. هنگامی که رفیق در زندان بود رژیم شاه خاشاک ننان از اعضای خانواده وی را به شهادت رسانید (دو مجسمه و یک خواهر و همسر برادر). پس از ۶/۵ سال زندان در اواخر سال ۵۶ از زندان آزاد شد و در سال ۵۷ به سازمان پیکار پیوست و به مبارزه خود برای آزادی کامل حلقه از قید امپریالیسم و حاکمان داخلی آنها و رها کردن طبقه کارگر از پیداستشمارا ادامه داد.

پیام رادیوئی رفیق مرتضی (حسین) آلائیوش در جریان انتخابات مجلس خبرگان

کارگران، زحمتکشان و خلفای قهرمان ایران!
با توجه به اینکه دولت حاکم یک دولت سرمایه دار است و نمیتواند حامی و حافظ منافع زحمتکشان باشد از راه مجلس خبرگان که توسط این دولت تشکیل میشود نمی تواند منافع مردم زحمتکش را تامین کند. با توجه به این مسئله ما در این انتخابات شرکت نکرده ایم تا در مورد این ماده یا آن ماده پیش نویس قانون اساسی بحث کنیم، بلکه نظرم آن است که سرمایه خسود را برای مردم زحمتکش میبمان توضیح دهیم: ما خواهان چه جامعه ای هستیم؟
بطور خیلی ساده ما خواهان جامعه ای هستیم که در آن سراسری کامل باشد. بولداری و فقیر وجود نداشته باشد. بطور ساده که یک عده مثل کارگران و دهقانان کار کنند، رحمت بکشند و جان بکشند و یک عده

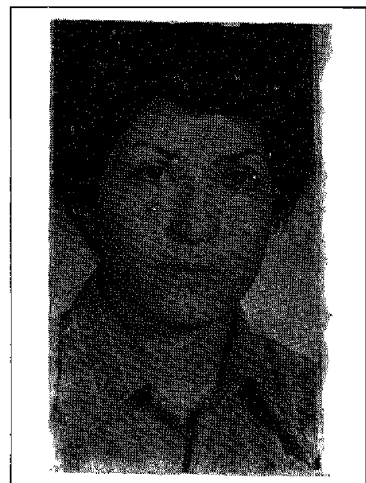
پیش برد. همچنین بعدها رفیق در کارخانه کفش وین نیز مدتی کار کرد. این سه کارخانه از جمله موسساتی بودند که در آن سرمایه داران حداکثر استعاده را از نیروی کار زن می نمایند و با توجه به همین ویژگی کارخانه، رفیق امکان یافت که هر چه بیشتر با مسائل و دردها ورنجهای زنان کارگر در کارخانه آشنا گردد. و حقیقت ستم دوگانه ای را که در اجتماع طبقاتی نسبت به زنان اعمال می گردد، بطور عینی و در محیط کارخانه لمس نماید. این دوره برای رفیق درسهای زیادی به همراه دارد. و بر اساس همین درسهاست که او امروز یکی از اعضای فعال سازمان در زمینه کار سیاسی - تشکیلاتی در بین زنان میباشد. رفیق مهربی حیدرزاده در جریان مبارزه ایدئولوژیک درون سازمان و تصحیح مثنی سیاسی یکی از اعضای فعال سازمان بود و با مطالعه و کار رنثوری یک جدی از یک طرف و استفاده از تجربه کار در میان کارگران توانست در دردمشی چریکی و رسیدن به مثنی انقلابی - توده ای و اینکه نه با مبارزه مسلحانه عده ای جوان انقلابی و صد ا کاربلکه با جنگ و قیام مسلحانه توده ای است که میتوان رژیم و استه تا رها نایب ساخت. نقش داشته باشد.

رفیق پس از طی مبارزه ایدئولوژیک درونی و اعلام موجودیت سازمان پیکار در راه آزادی طبقه کارگر، به مبارزه بیگانه خود در راه آزادی ملی خلفای ایران از پید سلطه امپریالیسم و حاکمیت ارجاع و آزادی طبقه کارگر را بعد استمارا ادامه داد است.



۳- رفیق مرتضی (حسین) آلائیوش

بسیاری از هموطنان ما با زندگی مبارزانه این پیکار روحی انقلابی آشنائی دارند. زندگی سرشار از مبارزه سرسختانه و با رژیم جنایتکار شاه و نجاری که از این رهگذر بدست آورده، او را بعنوان یک انقلابی صدیق، منوابع و وفادار به آرمان طبقه کارگر و رها کردن زحمتکشان در آورده است.



۲- رفیق مهربی حیدرزاده

رفیق مهربی حیدرزاده در ۱۶ فروردین ماه ۱۳۳۳ در تهران و در یک خانواده نسبتاً مرفه متولد شد. در دوران دبیرستان با مطالعه کتبهای سودمند و با درجریان قرار گرفتن اخبار مربوط به شکنجه انقلابیون در زندان و... ذهن او متوجه مسائل سیاسی گردید. هنگامیکه رفیق در سال ۵۲ در رشته ریاست سیاسی دانشکده علوم دانشگاه تهران قبول و وارد دانشگاه گردید امکان تاسست برای دنبال کردن مسائل سیاسی و شناخت بیشتر از وضع و احوال جامعه برای پیش قدمی فراهم گشت. در همین زمان بود که او با رفیقی از یک محفل مارکسیستی - لنینیستی آشنا شد و به سرعت توانست با مطالعه کتبهای سیاسی - انقلابی و آشنائی با دردها ورنجهای زحمتکشان، شناخت لازم را برای شروع مبارزه جدی علیه رژیم شاه و امپریالیسم پیدا نماید. در سال ۵۴ محفلی که رفیق در آن فعالیت داشت توانست با بخش مسعب از سازمان مجاهدین خلق تماس برقرار نماید. از این پس رفیق زندگی علنی را رها کرد و به همراه رفیق همسرش و دیگر رفقای محفل در سازمان عضویت پیدا کرد. در ابتدا او بمدت کوتاهی در درون شاخه نظامی در کنار رفیق شهید منیژه افتخاری فعالیت میکرد. سپس در بخش کارگری سازمان مشغول فعالیت گردید. گرچه در آن زمان بدلیل حاکمیت مثنی نادرست، رفیق از فعالیت خود در درون طبقه کارگر، بازدهی زیادی نمی توانستند داشته باشند، ولی رفیق با جدیت تمام مسئولیت های محوله را در این رابطه میپذیرفت و به پیشبرد خط سازمان در این رابطه کبک می نمود در این دوره رفیق ابتدا تحت مسئولیت رفیق شهید جمال سریعزاده شیرازی و پس از شهادت رفیق جمال در یک جمع دیگر کارگری فعالیت می نمود.

در رابطه با وظایف تشکیلاتی در شاخه کارگری رفیق مهربی حیدرزاده مدنی در کارخانه قزقره زیبا و کارخانه کفش ملی کار کرد و بدین ترتیب امکان یافت که با دردها ورنجهای کارگران از نزدیک آشنا گردد و وظایف محوله را در میان این رنجبران به

۴۰ ساعت کار در هفته برای کارگران

پیکار

ای که مردم ناآگاه را تحریک میکنند تا اعلامیه ها و تراکت های انتخاباتی کمونیستها و نیروهای انقلابی را پاره کنند و کسانیکه این تشریفات را پخش میکنند به وسیله کمیته ها دستگیر و کتک میخورند. آزادی انتخاب باقی میماند معنایی نداشته باشد؟ نه به نظر ما این انتخاب در شرایطی که ملاحظه می شود دموکراتیک برگزار میشود. اما این شیوه های هیئت حاکمه از سیاست هائی که تا کنون در پیش گرفته است جدا نیست. حمله به اجتماعات و میتینگها بوسیله عده ای چنان بدست و عناصر ارتجاعی با سکوت دولت مورد تأیید قرار گرفته و روزنامه هائی که حقایق را بازگو میکنند شدیداً تحت فشار قرار گرفته اند به کتاب فروشی ها و روزنامه فروشیها حمله میکنند و روزنامه و کتابها را پاره پاره کرده و به آتش میکنند. مسئولین امر در این مورد چه کرده اند؟ هیچ؟

این است معنی آزادی؟
آیا کارگران حق اعتصاب دارند؟ یا اعتصابات آنان با یورش و تهاجم افراد مسلح روبرو میشود؟ اگر حق اعتصاب دارند چرا کارگران پاریس پیش از آنکه مسلسل میبندند؟ نیروی ویژه که همان آذاره حفاظت سابق است و کارگران مجوسی آن را میستانند در کارخانه ها برای چه تشکیل شده؟ برای حمایت از کارفرمانا کارگران را سرکوب کنید.

آیا کارگران حق نظرات برای رسیدن به حقوق حقه خود را دارند؟ اگر دارند پس چرا اجتماع کارگران بیکار امضا را به گلوله بستند و نامرتوفیقان را شهید کردند؟
چرا دولت در برابر این فاجعه سکوت کرد؟
دفعات چطور؟

شوراهای دهقانی محدود و سرکوب میشوند، چرا نباید دهقانان زمین را صاحب شوند که خود روی آن کار میکنند؟
چرا دهقانان باید توسط بانکها و پیش خرها مورد ستم قرار گیرند؟
دولت با خلقها چه کرده است؟

خلق کرد و ترکمن در اولین بهار به اصلاح آزادی سرکوب شدند و دولت در مده است که شهرهای کردستان را زیر حکومت نظامی درآورد. آیا این اسم معنای آزادی و حاصل قیام یکسال و نیمه خلق مبارز ایران؟
می بینیم که دولت تنها به خواست اکثریت مردم ما پاسخ نداده است بلکه در مقابل به بازسازی ارتش، ژاندارمری و شهرنای توسط فرماندهان سابق دست زده، رکن خود و سازمانهای اطلاعاتی را که عملاً کار ساز و کار را احاطه میدهند دوباره بازسازی کرده و نیروهای انقلابی را دستگیر و شکنجه میکنند. چرا دولت بجای دفاع از منافع اکثریت تنها به فکر اقلیتی از سرمایه داران و خانها و فئودالها است؟ چون دولت حامی سرمایه داران حتی سرمایه داران سیگانه برست میباشد و صد ندارد و سعی خواهد دست امپریالیستها را از ایران کوتاه کند.

اما ما خود چه می گوئیم؟ ما میگوئیم بایدند دست دشمن اصلی ما یعنی امپریالیستها از ایران کوتاه شود. ما می گوئیم باید از نظر فرهنگی، سیاسی، اقتصادی و نظامی از زیر ستم بیگانگان خارج شویم، ما می گوئیم: باید سرمایه های سرمایه داران وابسته را معادله و ملی کرد و اداره کارخانجات را به شوراهای کارگری سپرد.
ما می گوئیم، باید زمین های اربابی را بین دهقانان تقسیم کرد، باید کلیه دیون کشاورزان را لغو نمود. باید در دهات تمام امکانات رفاهی را بوجود آورد.

ما می گوئیم باید حقوق خلق کرد، عرب، ترکمنی و بلوچ را در چارچوب ایرانی دموکراتیک و آزادی به رسمیت شناخت.

ما می گوئیم باید حق کار، حق اعتصاب، آزادی احزاب، سندیکاها، اتحادیه ها و نظرات، آزادی بیان و قلم و عقیده و مذهب تأمین شود.

ما می گوئیم برای اینکه بتوانیم چنین کارهایی را انجام دهیم باید کارگران و زحمتکشان و زحمتکشان خودسود حکومت را در دست بگیرند.

وقت من بیایان رسید

بلکه ما را که از منافع زحمتکشان دفاع میکنیم، منم به اطلاع می رسد و بما میگوید اخلالگر، به کمونیستها تهمت میزنند و اجازه نمی دهند تا از خود دفاع کنند. ولی ما کمونیستها آنطور نیستیم که مخالفین ما می گویند و آنها شکیه آگاهی کافی ندارند تا نور میکنند. مخالفین ما به ناروا می گویند که کمونیستها می خواهند زنان را اشتراکی کنند و فساد را رواج دهند. این تهمت نادرست است. بعضی کمونیستها میخواهند هر گویه فساد را از بین ببرند و زنان هم با مردان مساوی باشند. آنها می گویند کمونیستها می خواهند با خدا مبارزه کنند. در صورتیکه مسئله این نیست و همانطور که گفتیم کمونیستها خواهان آزادی عقیده و مسرام و مذهب برای همه هستیم. بعضی های می گویند درست است که کمونیستها رفاه مادی، نان، مسکن، کار و غیره را برای همه فراهم میکنند، اما در جامعه کمونیستی از معنویات خبری نیست. این هم نادرست است. در جامعه کمونیستی معنویات از همه بیشتر است. فرهنگ و آموزش برای همه رایگان است. هنر و ادبیات و دیگر عوامل معنوی از همه بیشتر رشد میکند.

بعضی ها میگویند کمونیستها وابسته به کشورهای خارجی و بخصوص وابسته به روسیه هستند. این هم درست نیست. کمونیستها واقعی فقط به زحمتکشان و بخصوص کارگران تکیه دارند.

اگر این آدمها بپرسید دلیل و مدرکشان چیست حزبی را مثال می آورند که به شوروی وابسته بوده و می گویند این حزب میخواهد ایران را به شوروی وابسته کند. ولی این مطلب ربطی به کمونیستها واقعی ندارد. کمونیستها واقعی ما هر نوع وابستگی، بهر کس که باشد، چه آمریکا و چه روسیه و چه هر دولت دیگری، کاملاً و جدّاً مخالفند. کمونیستها واقعی ما هر کس که خواهد ایران را وابسته کند، مخالفند و با او مبارزه میکنند. یکی از دلایلی که کمونیستها دشمن سرخستان شاه بودند، شاه خائن هم البته دشمن کمونیستها بود، همین بود که شاه ایران را به آمریکا وابسته کرده بود. بطور کلی دو دسته افراد اسن اتهام ها را به کمونیستها میزنند. یک دسته آنها می هستند که منافع شان، با حواستهای کمونیستها، به خطر می آید، یعنی مفتخورها و سرمایه داران و عمال آنها و دسته دیگری آنها شکیه آگاهی می دارند و کمونیسم را نمی شناسند و هرچه دشمنان کمونیسم گفته، آنها هم باور کرده اند و تکرار میکنند.

بیش از این فرصت نیست که در مورد نظرات خود - مان توضیح دهیم و اگر فرصت دیگری بدست آید دنباله برنامه هایمان را توضیح خواهیم داد.
به امید پیروزی نهائی کارگران، دهقانان، زحمتکشان و خلقهای قهرمان ایران

قسمتهایی از پیام تلویزیونی رفیق آلدیوش

در جریان انتخابات مجلس خبرگان

درد به شهادی راه آزادی،
کارگران، زحمتکشان و خلقهای قهرمان ایران.....
تلویزیون بما ۵ دقیقه وقت داده تا برای اولین و آخرین بار نظراتمان را بیان کنیم.
آیا بنظر شما فقط طرف ۵ دقیقه میتوان نقطه نظرها و برنامه های خود را توضیح داد؟.....

آیا رادیو تلویزیون بطور مساوی و به اندازه کافی در اختیار گروهها، سازمانها قرار گرفته است تا عقاید و نظرات خود را برای مردم توضیح دهند؟ و یا فقط در احصاء گروه خاصی قرار داشته است؟
برای نظرها به اینکه انتخابات آزاد است و امکان

نات تبلیغاتی برای همه یکسان، در آخرین دقیقه نزدیک به زمان انتخابات، ۵ دقیقه وقت در اختیار کاندیدها قرار داده و گفته اند نظرات را بیان کنید. مسئولین امر از مدت ها قبل ذهن مردم را نسبت به کمونیستها و نیروهای انقلابی مسموم کرده اند. آیا با توجه به این مسئله، این انتخاباتی آزاد است؟
با توجه به اهمیت که انتخابات و تدوین قانون اساسی دارد، آیا شما مردم مبارز نظرات و عقاید گروههای مختلف به اندازه کافی آشنا شده اید که به آنها رای دهید؟ آیا در شرایطی که عناصر شناخته شده

دیگر مثل سرمایه داران بدون اینکه به خودشان رحم می کنند از حاصل کار زحمتکشان استفاده کنند. شخصی ما مخالفان استعمار هستیم. ما میخواهیم منکن، رفاه، فرهنگ، بهداشت، تفریح و خلاصه همه چیز متعلق همه باشد.

ما میخواهیم دزدی و فساد و فحشاء از بین برود. ممکن است بگویند که همه کس همین حرفها را میگویند، پس فرق شما با آنها چیست؟ جواب ما روشن است. ما میگوئیم تا وقتی سرمایه داری هست، فقر هم هست. ما وقتی سرمایه داری هست، ظلم هم هست. تا وقتی سرمایه داری هست، ستم هم هست. تا وقتی سرمایه داری هست، ارتش و پلیس و زندان و سرکوب هم هست. و بالا - خرد تا وقتی سرمایه داری هست، بیماری، دردی، فحشاء و فساد و خلی چیزهای دیگر هم هست. تازه از همه اینها گذشته در ایران، تا وقتی سرمایه داری هست، وابستگی هم هست و ما همیشه محتاج به خارج هستیم و سرمایه داران بزرگ دنیا، یعنی همان امپریالیستها منابع ما را غارت میکنند، و زحمتکشان ما را استثمار میکنند و نمی گذارند ما آزاد و مستقل باشیم. باین جهت است که ما میگوئیم که جامعه را باید از اسباب تعمیر داد و جامعه ای ساخت که در آن سرمایه داری حاکم نباشد.

جامعه ای که ما خواهان آن هستیم جامعه سوسیالیستی است. یعنی ما میخواهیم بجای سرمایه داری سوسیالیسم باشد. در جامعه سوسیالیستی دیگر این سرمایه داران و ثروتمندان نمیتند که حکومت میکنند، بلکه کارگران و زحمتکشان حکومت را در دست دارند.

در جامعه سوسیالیستی همه برادراشته کار میکنند و هر کس باندازه کارش بهره میرد و کسی گرسنه و بیکار نمیماند. در جامعه سوسیالیستی، همه از رفاه، بهداشت، فرهنگ و مسکن استفاده میکنند. در جامعه سوسیالیستی همه یکسان و کارکنان جامعه، از آزادی کاملاً برخوردارند. مذهب و عقیده و مرامی آزاد است و هیچکس را به خاطر عقیده اش اذیت نمیکند و مورد آزار قرار نمیدهند و سرکوب نمیکنند. در جامعه سوسیالیستی از دزدی و فساد و فحشاء خبری نیست، چون علت همه اینها فقر است. و وقتی دیگری کسی فقیر نباشد و آموزش هم برای همه رایگان باشد، دلیلی ندارد که به این نوع کارها رو بیاورد. چون برای همه کس امکان کار شرافتمندانه وجود دارد.

وقتی جامعه سوسیالیستی پیشرفت زیاد کرد، وقتی دیگر شعور و آگاهی مردم بالا رفت، وقتی صنعت و کشاورزی پیشرفت کرد و دیگر استثمارگر و استثمار شونده وجود نداشت، وقتی جامعه آنقدر جلو رفت و پیشرفت کرد که هر کس به اندازه توانائی اش کار کند و بقدر احتیاجش از تولیدات جامعه استفاده کند، آن وقت ما می گوئیم که جامعه اشتراکی یا کمونیستی است. البته ما می دانیم که ساختن جامعه سوسیالیستی و جامعه بی طبقه کمونیستی، که در آن همه با هم برابر باشند و از ظلم و جور و فساد و غیره خبری نباشد کار امروز و فردا نیست، احتیاج به زحمت و کار زیاد دارد و همه هم باید در آن شرکت کنند و بخصوص کارگران که سازنده جامعه سوسیالیستی هستند، خوب آشنایانند. در مرحله کنونی که دشمن اصلی خلق ما امپریالیسم و وابستگان مزدور داخلی آن میباشد برنامه حداقل ما قطع کامل سلطه امپریالیسم در زمینه های نظامی، سیاسی، اقتصادی و فرهنگی، معادله سرمایه های خارجی و وابسته، لغو قراردادهای ظالمانه با کشورهای امپریالیستی و سلطه طلب، محو کامل بقایای فئودالیسم و سپردن زمین به دهقانانی که روی آن کار میکنند، شرکت کارگران در اداره و نظارت موسسات تولیدی، سرکوب کامل فدا انقلاب و بقایای آن، برسمیت شناختن حقوق ملی خلقهای کرد، ترک، عرب، بلوچ و ترکمن، تأمین حقوق و آزادیهای اساسی زحمتکشان مانند حق کار، حق اعتصاب، آزادی احزاب، سندیکاها و اتحادیه ها، نظرات، آزادی بیان و قلم و عقیده و مذهب است که پیروزی این برنامه مستلزم استقرار جمهوری دموکراتیک است. یعنی حکومت کارگران، دهقانان و دیگر اقشاری که رهبری طبقه کارگر است.
اما دولت کنونی به تنها این کارها را نمیکند،